

روز چهارم ماه می سال ۱۹۷۰ میلادی مقارن با ۱۴ اردیبهشت ۱۳۴۹ شمسی، اعضای گارد ملی اوهایو به جمعیتی از تظاهرکنندگان در دانشگاه ایالتی کنت شلیک کردند، چهار نفر از دانشجویان این دانشگاه را کشتند و نه نفر را مجروح کردند. این تیراندازی پیامدهای اندوه باری داشت. واقعه اعتراضات سراسری گسترده‌ای در سطح ملی به دنبال داشت که باعث شد تا صدها دانشکده و دانشگاه به حال تعطیل درآیند. غیر از تأثیرات مستقیم حادثه چهارم می که در ادامه از آن سخن خواهد رفت، تیراندازی به نمادی از شکاف سیاسی و اجتماعی عمیقی بدل شد که کشور را طی دوران جنگ ویتنام به دو پاره تقسیم کرد.

طی قریب به سه دهه بعد از چهارم می ۱۹۷۰، آثار زیادی در تحلیل و واکاوی حوادث ۴ می و پیامدهای آن منتشر شده است، برخی از این کتابها به سرعت منتشر شد، و اغلب حاوی اطلاعاتی تازه بود، اما اغلب تحلیلی سطحی یا نادرست از ماجرای تیراندازی به دست می‌داد. طی سال‌های بعد آثار متعددی چاپ و منتشر شد.

با آن که کتاب شناسی واقعه کنت بسیار قابل

توجه و شامل آثار متعددی است، اطلاعات نادرست و بدفهمی‌ها همچنان وقایع چهارم می را احاطه کرده است. برخی از این اشتباهات حتی به کتاب‌های درسی ایالات متحده نیز راه یافته است. گزارش مستند حاضر در حقیقت می‌کوشد خود را از اشتباهات رایج روج کند.

چرا گارد ملی به کنت فر اخوانده شد؟

دستور اعزام گارد ملی اوهایو به دانشگاه ایالتی کنت به طور مستقیم با دلایل ورود آمریکا به جنگ ویتنام مرتبط بود. به واقع، یکی از دلایلی که باعث شد تا مردم ایالات متحده در سال ۱۹۶۸ میلادی به ریاست جمهوری ریچارد نیکسون رأی بدهند قول او مبنی بر پایان دادن به جنگ ویتنام بود. طی سال نخست ریاست جمهوری نیکسون به نظر می‌رسید حضور آمریکا در ویتنام رو به کاهش است. با این حال اواخر آوریل سال ۱۹۷۰ میلادی، ایالات متحده به کامبوج حمله کرد و میدان جنگ ویتنام را گسترش داد. این تصمیم را ریچارد نیکسون در ۳۰ آوریل ۱۹۷۰ از طریق تلویزیون ملی به اطلاع عموم رساند. او دلیل حمله را پناه گرفتن ویت کنگ‌ها در کامبوج اعلام کرد.

درست یک روز پس از این اعلام، یعنی روز اول ماه می، مجامع دانشجویی در سراسر ایالات متحده اعتراضات خود را آغاز کردند. در دانشگاه کنت تجمع ضدجنگ به محوطه چمن دانشگاه برگزار شد. این محوطه کمونژ نام داشت و دانشجویان از آن برای اجرای نمایش‌های مختلف استفاده می‌کردند. دانشجویان در این تجمع سخنرانی‌های آتشینی ضد جنگ و دولت نیکسون ایراد کردند. عده‌ای از دانشجویان یک فتوکپی از قانون اساسی کشور را در اقدامی نمادین به خاک سپردند و سپس اعلام کردند ظهر روز دوشنبه ۴ می تجمع دیگری برگزار خواهد شد.

ظهر جمعه فضای کنت آرام بود و حضور مردم در مجامع عمومی نظیر کافه‌ها روالی معمولی داشت، اما این حالت دیری نپایید و وقایع خیلی زود به رویارویی معترضان و پلیس محلی بدل شد. هنوز بر سر علت دقیق درگیری در آمریکا بحث می‌شود، لیکن آنچه معلوم است این است که معترضان در حومه کنت در خیابان آتش روشن کرده بودند، ماشین‌ها را متوقف می‌کردند، اشیایی به طرف خودروهای پلیس پرتاب کرده بودند و شیشه برخی مغازه‌ها را شکسته بودند. تملعی نیروهای پلیس کنت و افسران بخش‌های مجاور به محل اعزام شدند. شهردار کنت، لی روی ساترم وضعیت اضطراری اعلام کرد و فرماندار جیمز رودز را به کمک فراخواند، نیز دستور داد تمامی کافه‌ها تعطیل شود. تصمیم بستن کافه‌ها خشم جمعیت را شدت بخشید. پلیس برای متفرق ساختن جمعیت از گاز اشک آور استفاده کرد و عده‌ای از آنان را مجبور کرد به بلوک‌های پستی مجتمع دانشگاهی بروند.

روز بعد یعنی شنبه ۲ می، شهردا با عده‌ای از مسئولان شهر دیدار کرد، یکی از اعضای گارد ملی اوهایو که به کنت اعزام شده بود نیز در میان مسئولان به چشم می‌خورد. شهردار در آنجا تصمیم گرفت از فرماندار روز بخواد تا گاز ملی اوهایو را به کنت بفرستد. ساترم شهردار هراس داشت که ماجرای روز قبل تکرار شود، و بیش از همه می‌ترسید تجارت در حومه کنت دچار اخلال شود، همچنین شایعاتی به گوش رسیده بود که عده‌ای در فکر رفتارهای انقلابی هستند و می‌خواهند شهر و مجتمع دانشگاهی را ویران کنند. بر این اساس گمان می‌کرد نیروهای محلی ناکافی خواهد بود. حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر به دفتر فرماندار رنگ زد و به صورت رسمی درخواست کرد تا گارد ملی اوهایو را به یاری طلبد.

ظهر روز ۴ می چگونه تجعبی بر گزار شد؟

برای به نتیجه رسیدن تجمع ضدجنگ، رهبران



گزارشی مستند پیرامون سالگرد کشتار دانشجویی ۱۹۷۰

در دانشگاه «کنت»

معترض دانشجویی اعلام کردند که ظهر دوشنبه چهارم می تجمع دیگری در محوطه چمن دانشگاه برگزار می‌کنند. صبح چهارم می مسئولان دانشگاه به دانشجویان اعلام کردند که حق برگزاری تجمع را ندارند، با این حال مقارن ساعت ۱۱ صبح به بعد، جمعیت به صورت خودجوش در محوطه جمع شدند و هفته‌رت به شمار آنان افزوده می‌شد. عقربه‌های ساعت که به ۱۲ نزدیک می‌شد سراسر محوطه چمن را دانشجویان پر کرده بودند. اکنون تعداد آنان بالغ بر ۳ هزار نفر می‌شد. تخمین‌ها دقیق نیست، اما حدود ۵۰۰ گروه کوچک که در اطراف رنگ پیروزی (که در گوش‌های از چمن قرار داشت) جمع کرده بودند، حدود ۱۰۰۰ دانشجو که فعالانه شعار می‌دادند

به جمعیتی ۱ هزار و ۵۰۰ نفری که اطراف کامنز را احاطه کرده بودند مجموع دانشجویان حاضر در صحنه روز چهارم می دانشگاه کنت را تشکیل می‌دادند. کنار ساختمان سوخته نیز قریب به ۱۰۰ نیروی گارد ملی اوهایو مسلح به تفنگ مهلک ام-۱ ایستاده بودند و به دانشجویان نگاه می‌کردند.

جمعیت فعال حاضر در تجمع به حضور افراد گارد در دانشگاه اعتراض داشتند، غیر از آن، احساسات قوی ضد جنگ نیز در میان شرکت‌کنندگان جاری بود. درست مشخص نیست چه کسانی رهبری تجمع را در دست داشتند، اما در آغاز حضور دانشجویان بدون خشونت و همراه با آرامش بود.

پیش از شلیک چه ماجراهایی پیش آمد؟

کمی به ظهر مانده بود. تیمسار کانتربری تصمیم گرفت به جمعیت دستور دهد متفرق شوند. یکی از افسران پلیس ایالتی که نزدیک اعضای گارد ایستاده بود با یک بلندگوی دستی این تصمیم را به جمعیت اعلام کرد. به نظر می‌رسید دانشجویان توجهی به این گفته نداشتند. افسر مزبور فکر کرد کسی صدای او را نشنیده است. بنا بر این راننده جیپ را فراخواند و به همراه چندین عضو گارد سوار شدند و به سوی زمین چمن رفتند. آنها همچنان که گرد جمعیت می‌خیزچندین دوباره به آنان اعلام کردند که تجمع

ممنوع است و دانشجویان باید متفرق شوند. دانشجویان با شنیدن صدای آنان و مشاهده جیب نظامی خشمگینانه شروع به فریاد کردند. در این لحظه کانتربری خود وارد عمل شد. او به افرادش دستور داد تا اسلحه‌های خود را مسلح کنند. پس از آن چندین قوطی گاز اشک‌آور به سوی جمعیتی که کنار زنگ پیروزی ایستاده بودند شلیک شد. اعضای گارد نیز به طرف زمین چمن رفتند، گرد آن را احاطه کردند و تلاش کردند تا جمعیت را متفرق کنند. دانشجویان معترض مجبور شدند زمین چمن را ترک کنند و از تپه شیب دار مجاور موسوم به تپه سفید بالا بروند.

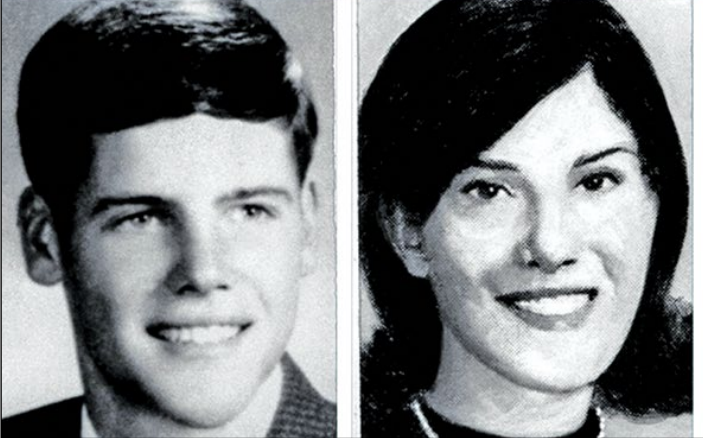
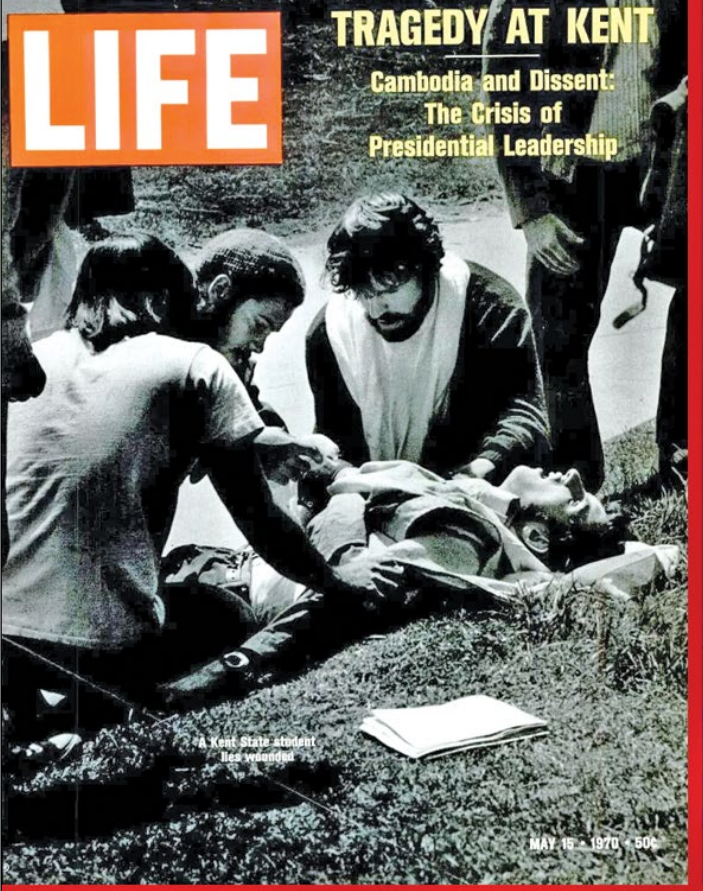
آن سپس از آن طرف تپه پایین رفته راهی پارکینگ سراسرای شاگردان شدند. کنار پارکینگ زمین فوتبال قرار داشت. اعضای گارد در این زمین ایستاده بودند. صدای فریاد دانشجویان که با پرتاب سنگ همراه بود چنان شدت گرفت که اعضای گارد حدود ۱۰ دقیقه در زمین فوتبال متوقف ماندند. دانشجویان دور سربازان گارد را می‌دیدند که گرد یکدیگر تجمع کرده بودند، برخی از آنان زانو زده بودند و اسلحه خود را به سمت دانشجویان نشانه گرفته بودند، اما در این لحظه هیچ سلاحی شلیک نکرد. لحظاتی بعد اعضای گارد راه رفته را بازگشتند، زمین تمرین فوتبال را ترک کردند و به سوی تپه سفید رفتند، وقتی به بالای تپه رسیدند بیست و هشت نفر از مجموع هفتاد عضو گارد ناگهان چرخیدند و شروع به شلیک کردند. برخی از آنان به هوا شلیک می‌کردند اما تعدادی اسلحه خود را مستقیم به سمت دانشجویان گرفته بودند. درباره تعداد شلیک‌ها آمار دقیق نیست: بین ۶۱ تا ۶۷ تیر در زمان ۱۳ ثانیه شلیک شد.

چند نفر کشته و مجروح شدند؟

وقتی آتش اسلحه گارد خاموش شد دانشجویان هراسان و حیرت زده سراغ از کشتگان و مجروحان می‌گرفتند. هیچ‌کس باور نمی‌کرد تیرها مستقیم به سمت جمعیت آمده باشد. اما واقعیت چیز دیگری بود: چهار دانشجوی دانشگاه کنت به شیوای فجیع کشته شده بودند. نزدیک ترین دانشجو به گارد جفری میلر

دانشگاه

Daneshgah@Kayhan.ir



گزارشی مستند پیرامون سالگرد کشتار دانشجویی ۱۹۷۰

۲. اعضای گارد با خطر آنی رو به‌رو نبودند؛ در این صورت تیراندازی توجیه‌پذیر نخواهد بود.

اعضای گارد در پاسخ به پرسش فوق گفته‌اند که علت شلیک آن بوده است که از ترس جان به روی دانشجویان آتش گشوده‌اند. این سربازان در چندین کمیسین بازجویی و نیز دادگاه فدرال شهادت دادند که آنان احساس می‌کردند تظاهرکنندگان به سوی آنان پیش می‌آمدند و حالت‌شان طوری بود که باعث شد تا سربازان بترسند و فکر کنند تأمین جانی گارد در خطر خواهد افتاد و بنا بر این آنان مجبور شدند در دفاع از خود شلیک کنند.

دادگاه جنایی و مدنی فدرال این اظهار نظر گارد را پذیرفت. در دادگاه مدنی فدرال ۱۹۷۵ که پیچیده‌تر بود هیئت منصفه ۹ به ۳ رأی داد که اعضای گارد از نظر قانونی مسئول تیراندازی محسوب می‌شوند. این رأی برای استیناف فرستاده شد و حوزه ششم قضایی استیناف چنین حکم داد. با توجه به تهدیداتی که به جان یکی از اعضای هیئت منصفه شده است دادگاه دیگری باید بر گزار شود.

بررسی‌های قانونی و قضایی حادثه تیراندازی چهارم می سرانجام در ژانویه سال ۱۹۷۹ با اعلامیه‌ای بی‌ارزش به پایان رسید، این بیانیه به همراه تسویه مالی از نظر اعضای گارد و طرفداران‌شان در حکم سند بی گناهی است. ۲۸تفر این بیانیه را امضا کرده بودند و نام افسران گارد و فرماندار جیمز رودز نیز در میان امضاکنندگان به چشم می‌خورد. مبلغ ۶۷۵ هزار دلار به دانشجویان مجروح و خانواده‌های کشته‌شدگان پرداخت شد. این پول را نیز اوهایو پرداخت کرده بود و نه اعضای گارد. مهم‌تر از همه این‌ که بیانیه مذکور از نظر اعضای گارد ملی اوهایو نوعی ابراز تأسّف بود و نه عذرخواهی یا پذیرش اشتباه.

نقطه مقابل این بیانیه که در چند کتاب نیز این نظر‌گاه تکرار شده است، نظر کسانی است که معتقدند اعضای گارد مسئول تیراندازی هستند. چند نویسنده استدلال کرده‌اند که زندگی اعضای گارد در خطر نبود. در مقابل، برخی نویسندگان معتقدند که براهینی در دست است که نشان می‌دهد برخی سربازان گارد در زمین تمرین فوتبال هم پیمان شده بودند که وقتی به بالای تپه سفید رسیدند به دانشجویان شلیک کنند. یک نویسنده دیگر براهین کافی برای پذیرش این نظریه هم پیمانی نیافته است، اما او نیز نپذیرفته است که رفتار اعضای گارد به عنوان دفاع از خویش محسوب شود. پژوهشگرانی که معتقدند اعضای گارد مسئول ماجرا هستند با نتیجه‌ای که کمیسیون اسکرتون در سال ۱۹۷۰ گرفت موافقت. گزارش این کمیسیون در صفحه ۸۷ چنین نوشته است: «عاملان تیراندازی با اسلحه به سمت گروه دانشجویان و مرگ برخی از آنان نسبت به رفتاری نالازم، توجیه ناپذیر و نابخشودنی زده‌اند.»

بلافاصله پس از شلیک چه گذشت؟

هنوز در این باب بحث است که زندگی سربازان گارد در لحظه تیراندازی تا چه‌اندازه در خطر بود، با این حال شکی نیست که پس از شلیک آنان در خطر بودند. آنان ۱۳ ثانیه دانشجویان را تیرباران کرده بودند، ۴ نفر را کشته بودند و ۹ نفر را زخمی؛ چنین حجمی از حوادث خون بار ممکن بود به رویارویی به مراتب دردناک‌تر و خونین‌تر بیانجامد. سربازان، عصبی و هراسان به سمت کامنز عقب نشستند و با دانشجویان مواجه شدند، دانشجویانی که اکنون دریافته بودند مهمات گارد واقعی است و آنان از این مهمات برای کشتن و مجروح کردن شمار زیادی از هم‌کلاسی‌های آنان استفاده کرده‌اند. برخی از دانشجویان خشمگین می‌خواستند زندگی خود را به خطر بیناندازند و به گارد حمله کنند، در این صورت شکی نیست که سربازان بار دیگر آتش می‌گشوند و شمار بیشتری از دانشجویان را به قتل می‌رسانند.

با دوردانشی عده‌ای از نگهبانان دانشگاه کنت از گسترش فاجعه جلوگیری شد. این افراد با راهنمایی یک استاد دانشگاه به نام گلن فرانک به سوی گارد رفتند و به فرماندهان گارد ملی التماس کردند تا اجازه دهند با تظاهر کنندگان گفت‌وگو کنند، سپس آنان از دانشجویان خواش کردند تا زندگی خود را با رویارویی با گارد ملی به خطر نیندازند. بیست دقیقه گذشت، در آن شرایط احساسی نگهبانان دانشگاه، دانشجویان را متقاعد کردند تا محوطه چمن کامنز را ترک کنند. به صحنه تیراندازی بازگردیم؛ آمبولانس‌ها رسیدند، اورژانس به سراغ دانشجویانی رفت که درجا کشته نشده بودند. صدای جیغ آمبولانس‌ها در هم می‌میخفت و قربانیان را به سوی بیمارستان محلی می‌برد. کلاس‌های دانشگاه به دستور مقامات تعطیل شد و تا تابستان ۱۹۷۰ گشوده نشد، دانشکده‌های مختلف با نامه یکدیگر را خبر می‌کردند تا در میتینگ‌های خارج از دانشگاه شرکت کنند و تا مدت‌ها این گردهمایی‌های اعتراضی با حجمی گسترده ادامه داشت.

صفحه ۸

چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۱

۳ شوال ۱۴۴۳ - شماره ۲۳۰۱۶

دریافتی از رهنمودهای آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای

دانشجویان مأنوس با «کتب مطهر»

آثار متعددی که از شهید سعید، آیت‌الله شیخ مرتضی مطهری برجای مانده است، بنیان مستحکمی از اندیشه‌های مقوم انقلاب اسلامی و جهان‌بینی دینی است. با وجود تاکید مستمر رهبر انقلاب اسلامی بر مطالعه جدی آثار معلم شهید، وسعت دیدگاه‌ها و ژرفنای اندیشه‌های این متفکر برجسته، مستلزم آن است که طرح‌ها و روش‌هایی برای مطالعه این آثار در اختیار پژوهشگران و نیز جوانان و علاقه‌مندان قرار بگیرد. چنین دغدغه‌ای را حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در دیدار اعضای کنگره حکمت مطهر در سال ۱۳۸۲ بیان کردند: «بنده از چیزهایی که برای صاحبان فکر و کسانی که می‌خواهند افکار اسلامی را برای مردم بیان کنند واقعاً لازم می‌دانم، این است که یک دوره کتاب‌های مرحوم مطهری را بخوانند. شیوه‌ای پیدا کنید که این کتاب‌ها خوانده شود؛ هم در کتاب‌های درسی بیاید، هم در دانشگاه‌ها بیاید.»

به نقل از پایگاه خامنه‌ای دات آی آر؛ به بهانه سالگرد شهادت این متفکر و نظریه‌پرداز برجسته انقلاب اسلامی، مجموعه‌ای از طرح‌ها و پیشنهادهای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای مطالعه و کار بر روی آثار علامه مطهری به مخاطبان ارجمند ارائه می‌شود. بدیهی است که هر یک از این طرح‌ها و پیشنهادها، مخاطباتی مخصوص به خود دارند و لذا، برخی برای طلاب و دانشجویان مناسب است، برخی برای محققان و برخی هم برای احاد علاقه‌مندان به‌اندیشه اسلامی سوزمند خواهند بود.

۱. خلاصه‌نویسی و آزمون:

«جوانان عزیز ما باید با آثار شهید مطهری آشنا شوند. اگر بنده می‌خواستم برنامه حوزه علمیه قم را بنویسم، بلاشک یکی از مواد برنامه را این می‌گذاشتم که کتاب‌های آقای مطهری خوانده شود، خلاصه‌نویسی شود و امتحان داده شود. البته در این آثار هم نباید متوقف شد. من به دست‌اندرکاران برگزاری همایش «حکمت مطهر» که در تهران با من ملاقات داشتند، همین نکته را یادآوری کردم؛ گفتم در آقای مطهری متوقف نشوید. این، نهایت کار نیست. این‌قدر حرف هست برای گفتن. دریای آب شیرین بی‌نهایت قرآن و حکمت قرآنی این‌قدر مطلب دارد! که هرچه شما بنویسید، هرچه بخیره کنید و هرچه بردارید، کم نمی‌شود و تکراری هم نمی‌شود. مینا را تفکرات شهید مطهری بگذارید و کارهای بعدی را روی آن بنا کنید.»



۲. مباحثه و مراجعه به مددگران آموزشی:

«کتاب‌های آقای مطهری را با هم بخوانید. من همیشه پیش از انقلاب به این بچه‌ها، جوان‌ها که می‌آمدند پیش من، می‌گفتم شماها کتاب را بخوانید، کتاب را مباحثه کنید، مثل ما طلبیه‌ها که توی مدرسه کتاب را مباحثه می‌کنیم؛ همخوانی. یک کتاب را با هم‌دیگر بخوانید، مباحثه کنید.»

«کتاب آقای مطهری را وقتی می‌خوانید، عدل الهی را، علل گرایش به مادیگری را فرض کنید کتاب‌های دیگر ایشان را وقتی می‌خوانید آن صفحاتی را که نمی‌فهمید نباید رد بشوید. باید آن‌جا را کاغذ بگذارید، علامت بگذارید، بعد به آن کسی که می‌تواند شما را روشن کند مراجعه کنید. این سنت مباحثه خیلی خوب است، به هم‌مباحثه مراجعه کنید. اگر دیدید توی بحث که نه باز هم نفهمیدید، حالا یا هم‌مباحثه‌تان هم نمی‌فهمد، تلفت نیست آن هم، یا اگر او تلفت است، [اما] در حدی تلفت نیست که بتواند به شما بفهماند... اگر دیدید آن هم نمی‌کند، نمی‌تواند، خیلی خوب، این‌جا را علامت بگذارید منتظر مددگر آموزشی باشید که باید. یا اگر برایتان امکان دارد و مشکل نیست بیاپید تهران، حلش کنید و برگردید. این‌جوری باید برخورد کنید با مسئله.»

۳. مطالعه روزانه یک ساعت:

«از اول سال مثل یک درس، هر روزی یک ساعت بنشینند کتاب‌های آقای مطهری را شروع کنند به خواندن، این را بخوانند تمام کنند بعدیش را بخوانند، بخوانند بخوانند تا این پنجاه، شصت تا چقدر کتاب ایشان الان از شان چاپ شده، هشتاد را بخوانند. من خیال می‌کنم هر کدام از اینجا که مشعل نوری خواهند شد، البته به شرطی که پایه سواد لازم و علمی لازم را داشته باشند. خیلی مطلب توی کتاب‌های ایشان هست انصافاً، واقعاً چقدر وجود ایشان مبارک بوده.»

۴. مطالعه موضوعی:

«کتاب‌های آقای مطهری را از آزا اول تا آخر فهرست‌بندی کنند. یک فهرستی از کتاب‌های آقای مطهری، از مطالب کتاب‌های آقای مطهری استخراج کنند؛ چون مرحوم شهید مطهری، درباره مثلاً توحید یا درباره انسان، یا درباره قیامت، در ده جا ممکن است بحث کرده باشد و این بحث‌ها می‌تواند مکمل یکدیگر باشد. کسانی همت کنند این بحث‌ها را استخراج کنند تا نظریه ایشان در باب مثلاً انسان، یا در باب تاریخ، یا در باب توحید، یا در ابواب گوناگون از قبیل این، مشخص بشود. این توصیه به جوان‌ها.»

۵. کرسی‌های نقد و بررسی سالانه:

«اگر فرضا در هر سال از سال‌های آینده، به مناسبت دوازدهم اردیبهشت که روز شهادت آقای مطهری است، موضوعی از افکار و آثار ایشان مورد توجه نقادانه قرار گیرد؛ یعنی حساسی نقد شود، دلایل و وجوهش ذکر گردد، همه دقیق مورد نظر ایشان بیان شود و اگر کسی احیاناً می‌تواند با نظری آنها را تکمیل کند، آن نظر هم ذکر شود، تا اگر در بعضی از نظرات، بر ایشان اشکالاتی وارد کردند، آن فرد بتواند با مطرح کردن آن نظرات، از نظر ایشان دفاع کند؛ و نکته قابل توجه این است که بیشتر زمان این جلسات به صحبت‌های دانشگاهیان اختصاص یابد.»

به میدان بیاوریم.»

۲۵۴ دیدار دانشجویان و دانشگاهیان با رهبر انقلاب

ثبت شده در اسناد، با توجه به تساهل‌های انجام شده در ابتدای انقلاب برای ثبت و ضبط این دیدارها، بسیار قابل توجه است؛ آن هم برای کسی که بیش از چهل سال از عمر انقلاب را رئیس‌جمهور یا رهبر بوده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد پر تکرارترین آنها مربوط به ۵۸ دیدار با عموم دانشجویان است. جلساتی از جنس دیدارهای چند ساعته ماه رمضان. رتبه بعدی مربوط به دیدار اساتید و مسئولان دانشگاه با بسامد ۵۲ جلسه است. اهمیت شکل‌های دانشجویی از منظر رهبر انقلاب از ۴۴ جلسه تعاملی با شکل‌های دانشجویی به خوبی نمایان است. از آمارهای قابل توجه در این لیست دیدارهای مختص یک دانشگاه است، ۲۷ دیدار روی داده است که یا دانشجویان یک دانشگاه به حسینیه امام خمینی(ره) آمده‌اند و یا رهبر انقلاب میهمان یک دانشگاه در تهران یا یکی از شهرها شده‌اند، البته در این میان سهم برخی دانشگاه‌ها بیش از یک مورد بوده است، از جمله دانشگاه تهران. همچنین فرصت مغتنم سفرهای استانی رهبر انقلاب، دانشجویان ۲۶ استان را میزبان رهبر انقلاب کرده است. ۱۹ دیدار هم مربوط به نجسبان دانشگاهی بوده است.

نکته قابل توجه در این لیست، اینجاست است که به صورت پرسش و پاسخ بی‌فاصله و منظره‌گونه بین دانشجویان و رهبر انقلاب برگزار شده‌است. این جلسات، هم مربوط به قبل از ریاست جمهوری و هم مربوط به دوران ریاست جمهوری و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای می‌شود. از دیدارهای دانشجویی ۶ دیدار هم سهم دانشجویان ایرانی خارج از کشور، به خصوص اعضای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا شده است. نکته قابل توجه و نهایی این‌که بیشتر زمان این جلسات به صحبت‌های دانشگاهیان اختصاص یافته است.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به مناسبت دیدار رضائی دانشجویان با رهبر انقلاب به مرور بیانات ایشان درباره دانشجو و دانشگاه پرداخت و اطلاع‌نگاشت «۲۵۴ دیدار دانشگاهی» را منتشر کرد.

«از روزی که این نظام تشکیل شد و این انقلاب به پیروزی رسید، دانشگاه درگیر شد. مبارزه، خیلی‌ها را درگیر کرد اما یکی از مهم‌ترین مراکز، دانشگاه و دانشجو بود. اعلام این گفته نداشتند. افسر مزبور فکر کرد کسی صدای او را نشنیده است. بنا بر این راننده جیپ را فراخواند و به همراه چندین عضو گارد سوار شدند و به سوی زمین چمن رفتند. آنها همچنان که گرد جمعیت می‌خیزچندین دوباره به آنان اعلام کردند که تجمع

در این روایت، اهمیت دانشجو و فضای دانشگاهی برای رهبر انقلاب، مشخص است و مهم‌تر آن که در طول عمر ۴۰ ساله انقلاب، اهتمام ایشان به مسئله دانشجو و دانشگاه به فراخور مسئولیت‌های مختلف، کاسته نشده است. آمار بیش از ۲۵۴ دیدار دانشگاهی

